

مطبوعات و گرافیک

● بهروز موسوی امین
عضو هیأت علمی دانشگاه هنر

■ گرافیک مطبوعاتی
■ کامران افشارمهجر
■ انتشارات سمت، ۱۳۷۹

درآمد:

جهان به نظر مجموعه‌ای است آشفته و در هم که از فرم و نظم‌ی خاص برخوردار نیست، اما بشر با ذهن ناظم خود تلاش دارد به جهان اطراف نظم داده و براساس قانونی آن را سامان دهد. احسان یارشاطر می‌گوید برای آن که بتوان ذهن نظم‌اندیش خود را قانع کرد، می‌بایست در کار جهان معتقد به نظامی شد و هر چیز را تابع قانونی شمرد. اما اگر بخواهیم این قوانین را به دیگران بیاموزیم، کاری بسیار دشوار در پیش خواهیم داشت.

«گرافیک مطبوعاتی» اثر دکتر کامران افشارمهجر نیز قصد دارد با این نگاه، نظم را به دیگران انتقال دهد و به دیگر سخن تربیت کند، اما سؤال اینجاست که ایشان خود تا چه حد به این نظم پایبند بوده و چه مقدار در این انتقال موفق شده است؟

وجود سابقه‌ی آشنایی دیرینه‌ای که با نویسنده‌ی کتاب داشته و دارم و وی را فردی مطلع و صاحب‌ذوق و پرتلاش در این حوزه می‌دانم، انگیزه‌ای شد تا از سر ارادت کتاب حاضر را به دیده‌ی نقد نگریسته، و مدیریت محترم سازمان سمت را به لزوم توجه به نکاتی جلب نمایم. به ویژه از آن رو که این سازمان خود راه را جهت همکاری، راهنمایی و ارائه‌ی پیشنهاد در باب اصلاح کتاب گرافیک مطبوعاتی باز گذاشته است.

آنچه در این کتاب ارائه می‌شود، تنها توصیف کوتاهی است از گرافیک مطبوعاتی، که به نظر نگارنده نیازمند توجه و نگرش مجدد نویسنده‌ی محترم و ناشر دارد. در واقع کتاب حاضر بیشتر

خواندنی است تا دیدنی.

اگر پذیرفته شود که هر اثر گرافیکی چون کتاب و مجله و پوستر، کیوتوری است با دو بال گرافیسیم (فرم) و ژورنالیسم (محتوی)، پس برای پرواز نیازمند دو بال تواناست و برای داشتن پرندگی پریدنی توجه و امعان نظر بیشتر بر محتوی و فرم این کتاب ضرورتی است انکار ناشدنی، اما چند نکته:

روی جلد

روی جلد می‌تواند در حکم ویترین مغازه‌ای باشد برای آراستن و معرفی کالاها. خود. انتظار ما از کتاب نیز بر همین اساس شکل گرفته است، آنچه در جلد کتاب دیدنی است، همانا کلمه‌ی «سمت» است که از بالا به پایین به صورت حاشیه‌ای یک سانتی تکرار گردیده است.

در سمت راست روی جلد، رنگی قرمز در قالب فرمی به کار گرفته شده که باز هم کلمه‌ی سمت از آن استنباط می‌شود. لوگوی سازمان هم در بالای جلد به چشم می‌خورد. رنگ‌های قرمز، و قرمز روشن و سیاه روی جلد حکایت از عدم مشورت با مؤلف بوده و یا می‌توان احتمال داد که اصلاً قرار بر این نبوده است که نویسنده در روی جلد تلاش‌های گرافیکی داشته باشد که در هر حال نتیجه یکی است. در حالی که می‌دانیم همین روی جلد، از انرژی فوق‌العاده‌ای در جلب خواننده برخوردار است که باید از آن در ورود به گرافیک مطبوعاتی به خوبی استفاده نمود.

رنگ

تصویرسازی کتاب در دوره ساسانیان و سپس تداوم آن در دوره‌ی اسلامی نشان می‌دهد که ایرانیان همواره تاریخ‌ها و داستان‌های خود را به تصویرهای زیبایی آراسته‌اند. از جمله نخستین شاهنامه‌ی منظوم فارسی اثر مسعود مروزی (قبل از ۳۵۵ هـ.)، نسخه‌های مصور ایرانی برجای مانده از جمله قابوس‌نامه که در سال ۱۸۳ هـ. کتابت شده و از تصاویر متعدد و رنگینی برخوردار است. جای تعجب در اینجاست که با وسعت حضور رنگ در

چاپ کتاب‌های دانشگاهی به این امر توجه نمی‌شود. در کتاب حاضر به طور نمونه و در صفحه ۱۸۰ تحت عنوان استفاده از عکس در تهیه پوستر (پوستر برگزیده چهارمین دوسالانه گرافیک ایران) با طراحی علی خورشیدی پور پوستر به طریق سیاه و سفید ارائه شده، در این پوستر بال‌های رنگین و زیبایی پرندگی نمایش داده می‌شود. حال سؤال این است، کی و کجا باید در مورد این‌گونه پوسترها، به خواننده آگاهی داد و آیا انتشار این کتاب فرصت مناسبی را به دست نداده است، و آیا سازمان محترم سمت با توجه به آنچه در گذشته این مرز و بوم رایج بوده نمی‌خواهد حتی یک صفحه رنگی و واقعی داشته باشد؟

زاویه دید تصویری

یکی از مضامین عمده مطبوعات ما، زاویه دید تصویری است. در مجموعه حاضر نیز چند سطر به آن اشاره شده است و اگرچه تمامی اشاره‌ها و نکته‌ها قابل قبول می‌باشد، اما خود کتاب فاقد یک چنین آزمایشی است و موضوع زاویه دید همچنان به صورت تئوری باقی مانده است.

به طور نمونه در صفحه ۱۷۶ کتاب، عکس خبری مربوط به مراسم هفته جنگ در تهران را نشان می‌دهد، که محل صحیح پیاده شدن این تصویر در سمت چاپ همان صفحه است. و یا عکس خبری جنگ ایران و عراق که در پایین همین صفحه و در سمت چپ پیاده شده که می‌تواند در سمت راست همان صفحه به چاپ برسد. در صفحه ۵۰ می‌توان محل تصویر دستگاه حروفچینی موتوتایپ را با تصویر دستگاه حروفچینی لاینوتایپ تعویض کرد. در صفحه ۱۷۲ عکس خبری جنگ ایران و عراق می‌تواند با عکس جنگ ایران و عراق صفحه ۱۷۳ جابجا گردد. در صفحه ۱۸۳ عکس‌های مربوط به روز اول مدرسه که در سمت چاپ و پایین صفحه آورده شده در محل مناسبی قرار نگرفته است. در عکس صفحه ۱۸۷، متن تشریحی عکس می‌بایست در سمت راست عکس قرار گیرد. در صفحه ۲۰۲



درستی ندارد. چون آگهی هم به معنای آگاهی دادن است و هم تبلیغ به معنای ابلاغ کردن و مطلع نمودن. بنابراین راه صحیح می‌تواند این باشد که به جای آگهی‌های تبلیغاتی از واژه آگهی‌های تجاری استفاده گردد. این موضوع در پوسترها هم دیده می‌شود که گاه به اشتباه به یک پوستر تجاری، پوستر تبلیغاتی گفته می‌شود. اصولاً وظیفه‌ی پوستر ابلاغ کردن است و باید از واژه‌ی پوستر تجاری در اینجا استفاده گردد.

در صفحه ۴۱ در مقابل کلیشه صفحه اول روزنامه خلاصه‌الحوادث ۱۳۱۹ نوشته شده است که به ویژگی تصویری حروف تیترو متن توجه نمایند. سؤالی پیش می‌آید و آن اینکه ویژگی یعنی چه و آیا قبلاً در مورد ویژگی در جایی صحبت شده یا نه، که نشده است. و خواننده بالاخره از موضوع آگاه نمی‌شود.

از صفحه ۴۷ کتاب شرح و مسایل چاپ برجسته تشریح شده، اسامی که ریشه‌ی روسی دارد. (ص ۴۸) از جمله به درفش اشاره می‌گردد که فاقد نام علمی است و هم‌آهنگ با این واژه‌ها نیست. در صفحه ۵۳ و در مورد شرحی که در زیر مطلب ترام و با این مضمون آمده: چگونگی قرار گرفتن سیاهی‌ها و سفیدی‌ها در ترام‌های ۱۰ تا ۹۰... خط یا درجه فراموش شده است.

در صفحه ۶۱ و در مورد کلمه Point اشاره به تلفظ این کلمه در چاپخانه‌های ایران می‌شود «پنت»، در حالی که در کتاب می‌بایست تکلیف واژه اصلی روشن شده و به اصل آن «پوینت» اشاره شود. امید است نویسنده‌ی محترم، آقای افشارمهاجر مطالب حاضر را تنها از سر صندق بداند و مدیریت محترم سازمان سمت نیز به زیبایی و طریقه‌های علمی و آرایشی و بیزینسی نشریاتش توجه بیشتری مبذول کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. CANY WINOB BRAND
۲. FRED LANDER
۳. WAKE EVEN

دیگر این که صفحه خود از صفحه آرای می‌تواند مطالبی برخوردار است و بسیاری از زیبایی‌های آن در زیر ترام خاکستری پنهان مانده است.

در صفحات ۱۵۸-۹ می‌بایست حاصل و نتیجه‌ی کار به صورت کلیشه یا کنتراستی قوی و عاری از ترام‌های سایه و روشن ناخواسته چاپ می‌شد که نیازمند اصلاح است.

پانویسی

یکی از منابع موردتوجه خواننده، پانوش‌های کتاب است. با توجه به اینکه پانویس‌ها در تمامی صفحات از شرایط مساوی تصویری بهره می‌برند، لازم است اندازه‌ی حروف (point) و کاراکتر حروف (Font) در یک اندازه و شکل باشند تا تلاطم و نتیجه‌گیری آسان‌تر صورت گیرد.

باتوجه به پانویس کلیه صفحات مشخص می‌شود که مثلاً آنچه در صفحه ۴ آمده نمونه اندازه و کاراکتر حروف انتخابی است، در حالی که در صفحه ۶۳ این قرارداد عوض می‌شود که البته در بقیه صفحات موضوع به خوبی اجرا شده است.

خط و ویژگی‌های آن

در صفحه‌ی ۵۶ کتاب نویسنده به موضوع خط پرداخته است. جملات استفاده شده تقریباً شبیه به جملات مقاله‌ای است که در کتاب روزنامه‌نگاری حرفه‌ای منتشره در سال ۱۳۷۶ استفاده شده است و بدون اینکه به نام نویسنده اشاره شود، تنها به اصل کتاب اشاره می‌شود.

برای نمونه آنچه در کتاب اصلی آمده «حروف تهی یا بیان سبکی و کم‌وزنی معرف پرواز است و رهایی و برون گراست» و در کتاب گرافیک مطبوعاتی آمده است «حروف تهی یا بیان سبکی و کم‌وزنی معرف پرواز و رهایی است.» به نظر می‌رسد اشاره به مأخذ و از طرفی حرمت نویسنده ايجاب می‌کند امانتدار باشیم.

نکاتی دیگر

اگر به معنای آگهی که همان آگاه ساختن یا آگاهی دادن است واقف باشیم، می‌دانیم که به کارگیری واژه‌هایی چون آگهی تبلیغاتی معنی

بهتر است عکس‌های مجله‌نگین و سخن جایجا شوند.

صفحه‌آرایی کتاب

صفحه‌آرایی کتاب، در ظاهر براساس فرم حاشیه قرارداده شده، به این معنی که از صفحات آغازین کتاب این‌گونه استنباط می‌شود که طراح در هر دو صفحه حاشیه‌ای به عرض ۵ سانتی‌متر انتخاب نموده است. اما این قانون در دیگر صفحات گاه مورد هجوم کلمات و عکس‌ها واقع می‌شود.

به طور مثال صفحات ۱۵۵، ۱۸۱ و ۱۸۵ که کمتر از یک سانتی‌متر حاشیه دارد.

از طرفی به واژه صفحه‌آرایی یا Layout در کتابی با نام گرافیک مطبوعاتی می‌بایست در صفحات آغازین اشاره شود، در حالی که به معنی این واژه در صفحه ۲۰۸ اشاره شده، کتابی که در عمل بیش از ۲۲۶ صفحه ندارد.

عکس

گرچه آثار ویژه‌ای در باب عکس وجود دارد به ویژه در میان عکاسان آمریکایی از جمله کانی وینوب براندا که در عکاسی حرفه‌ای خود، دوربین را کج نگاه می‌دارد و یا فرید لاندرا، واک اوان که برش‌هایی در آثار خود ایجاد می‌کنند، به طور مثال پیشانی در عکس حذف می‌شود و یا بخشی از دست‌ها و گوش‌ها در کادر قرار نمی‌گیرد. در کتاب حاضر نیز دو عکس از یحیی دهقان‌پور در صفحات ۱۷۷ و ۱۹۴ ارائه شده که از همین شیوه استفاده شده است.

سؤال اینجاست آیا گنجاندن این نوع عکس‌ها در کتابی که به مابانی گرافیک می‌پردازد زود و بحث‌انگیز نخواهد بود و آیا پیش از آن که مفید باشد، مضرتی به همراه ندارد. شایسته بود نویسنده در این باب توضیحی ارائه می‌نمود.

ترام

ترام در چرخه زیباسازی صفحات کتاب نقش دارد، اما در صفحه ۱۱۶ و در تصویر صفحه شناسنامه مجله صنعت چاپ، وجود ترام خالی از فایده است. چرا که خود صفحه در اصل فاقد چنین ترامی است و